

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین سعیدی-سعید افغانی

۱۶ جولای ۲۰۲۰

## بسم الله الرحمن الرحيم ترجمه و تفسیر سورة الإنسان

۳



«وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (۸)

و طعام را با وجود محبت و حاجت خود، به بینوا، یتیم و اسیر می دهند. (۸)

«أسیراً» «اسیر».

«عَلَىٰ حُبِّهِ»: به خاطر دوستی و محبت با الله، طعام خویش را برای مسکینان، یتیمان و اسیران به مصرف می رسانند. با در نظر داشت این که خود شان خوراکی کمی در اختیار دارند، ولی با آنهم به منظور رضای پروردگار آن را بر این سه گروه تقسیم می نمایند.

امام فخر الدین رازی : «بدان که مجامع طاعات در دو امر محصور است: تعظیم امرین که «يُؤْفُونَ بِالَّذِينَ» بدان اشاره دارد و شفقت بر خلق الله که «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ» ناظر بر آن است».

ابن جریر در تفسیر «اسیرا» می فرماید: «رسول الله صلی الله علیه وسلم اهل اسلام را به اسارت نمی گرفتند و این آیت در باره اسیران اهل شرک نازل گردید و رسول اکرم صلی الله علیه وسلم مسلمانان را به رفتار نیک با آنها دستور می دادند».

### شان نزول آیت ۸:

۱۱۵۹- ابن منذر از ابن جریر روایت کرده است: نبی اکرم صلی الله علیه وسلم مسلمانان را اسیر نمی گرفت. لیکن این کلام الله «وَأَسِيرًا» در مورد اسرای مشرکین است که آنها را به خاطر فدیة اسیر می گرفتند. بعد از نزول این آیت رسول الله صلی الله علیه وسلم [در روز بدر] دستور داد که با اسیران خوش رفتاری کنند. (در المنثور، ناشر دار الفکر

بیروت، ج ۸، ص ۳۷۱]. و (تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم تألیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول تألیف علامه جلال الدین سیوطی)

«إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا» (۹)

(و می گویند): «ما فقط به خاطر الله به شما غذا می دهیم و انتظار هیچ پاداش و سپاسی را از شما نداریم. (۹) در آیت مبارکه با چه زیبایی خاصی فرموده است: «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ» ملاحظه می شود اطعام و انفاق زمانی ارزش بیشتر دارد که شیء انفاق شده، مورد ضرورت و علاقه انسان باشد. خالصانه و به دور از هر منت و انتظاری باشد، باید گفت: آنچه به عمل ارزش می دهد، انگیزه خالصانه و اخلاص در عمل است. از جانب دیگر باید گفت که در جمله «نُطْعِمُكُمْ» این فهم عالی را می رساند که اطعام، زمانی ارزش بیشتری دارد که از خود و با دست خود باشد و از جانب دیگر؛ کمال واقعی زمانی است که نیکی در انسان نهادینه شود. هکذا اگر توجه نمائید: تمام کمالات با فعل مضارع که نشانه استمرار فعل است، آمده است. انسان های خیر رسان، نه تنها با زبان درخواست تشکر از جانب مقابل ندارد، بلکه در دل هم به فکر تمجید و تشکر نمی باشد. گرچه ابرار انتظار مکافات را ندارند ولی مردم هم نباید در مقابل کسانی که با شما احسان و نیکی می نمایند بی تفاوت بود. طوری که در آیت ۲۵ سوره قصص می خوانیم: حضرت شعیب دخترش را فرستاد تا مکافات سقائی و آب دادن حضرت موسی را بپردازد. «إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ».

#### داستان کوتاه از مسابقه شیخین در صدقه بافقر و مساکین:

از حضرت عمر (رض) روایت است که روزی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم هدایت فرمودند صدقه دهیم، خوشبختانه من در آن روزها اندکی ثروت داشتم. با خود فکر کردم که؛ امروز نزد من اندکی مال موجود است و زمینه برای این که از حضرت ابوبکر صدیق (رض) در صدقه دادن سبقت بگیرم، فراهم است. با چنین فکر و اندیشه ای با عجله خود را به منزل خویش رساندم، و نصف کلیه اموال موجود را برداشتم و به محضر رسول اکرم صلی الله علیه وسلم آوردم. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: برای اهل خانه چیزی باقی گذاشته ای؟ عرض کردم: بلی، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: چقدر گذاشته ای؟ عرض کردم: نصف اموال را برای اهل خانه گذاشته و نصفش را آورده ام. حضرت ابوبکر صدیق (رض) آنچه را که داشته بود همه را تقدیم رسول الله صلی الله علیه وسلم نمود. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم خطاب به حضرت ابوبکر صدیق فرمودند: ای ابوبکر! برای اهل خانه چه گذاشته ای؟ حضرت ابوبکر صدیق عرض کرد: الله و رسولش را گذاشته ام، یعنی برکات نام خدا و رسولش را گذاشته ام. حضرت عمر (رض) می گوید: با خود فکر کردم که هرگز از حضرت ابوبکر صدیق در انجام کارهای خیر نمی توانم سبقت بگیرم. در انجام کارهای نیک و معروف سعی شود تا از دیگران سبقت بگیریم و این مسابقه سخت و مطلوب است. قرآن نیز چنین مسابقه ای را مورد تشویق و ترغیب قرار داده است.

«إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا غَمًسًا فَمَطْرِيرًا» (۱۰)

ما از پروردگارانمان از روزی می ترسیم که در آن چهره در هم کشیده می شود و کار شدید و سخت می گردد (۱۰)

«غَمًسًا» «غَبُوسًا» چهره در هم کشیده، ترش رو.

«فمطریر»: یعنی سخت دشوار و تاریک و وحشتناک.

در این آیت مبارکه از موضوع خوف از الله یاد آوری به عمل آمده است، یعنی اشخاصی که از الله تعالی خوف داشته باشند، منافاتی با شوق به ثواب یا خوف از عقاب ندارد. زیرا ثواب و عقاب نیز از جانب الله است «لِوَجْهِ اللَّهِ ...» قابل

تذکر است که در روز قیامت ، نه تنها مردم، ترش می باشد، بلکه در واقعیت این روز اساساً در ذات خویش از روز های عبوس و ترش می باشد طوری که در آیت مبارکه آمده است؛ «يَوْمًا عُبُوسًا» ولی نباید فراموش کرد که برای فرار از آن روز عبوس، ما نباید امروز در برابر مسکین و یتیم و اسیر، ترش روی کنیم.

**«فَوَقَّاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا» (۱۱)**

پس الله تعالی آنان را از شر آن روز ننگه داشته و آنان را با خوشی و شادابی و شادمانی استقبال می کند . (۱۱) «سُرُورًا» «سرور، شادمانی».

«نَضْرَةً» به معنای زیبایی و شادابی و صفا و پاکی و خرمی چهره از اثر نعمت است.

چنانکه در جای دیگر میخوانیم: «وَجُودَةٌ يُؤْمِنُ نَاضِرَةً» (آیت ۲۳ سوره قیامه)

و در این هیچ جای شک نیست که الله تعالی آنان را از سختی های این روز ننگه می دارد و ایشان را از هولناکی اش دور می سازد، از مشکلاتش نجات می دهد. سیمای شان را زیبایی و روشنی می بخشد و با شنیدن خبرها شادمان شان می سازد؛ از اینرو چهره های روشن و گشاده و دل های شادمان دارند.

**«وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا» (۱۲)**

و به پاداش و صبری که کردند، بهشت و (لباس های) ابریشمی (بهشتی) را به آنان پاداش داد. (۱۲)

«حَرِيرًا»: به معنای ابریشم است ، همانا ساخت لباس جنتیان از ابریشم می باشد، (مراجعه شود به سوره های حَجَّ / ، فاطر).

ابرار انسانهایی اند که غیر از رضای پروردگار، خواست دیگری ندارند و اراده او را بر خواست خود مقدم می شمارند، و در عبادت و طاعت استقامت و صبرناک اند، بهشت برین جای بود و باش شان بوده و در آنجا از نعمت های بی نظیر و بی مانندی مستفید و بهره مند می باشند، می نوشند و از پوشاک، تکیه گاه و فرش های ابریشمی استفاده می نمایند.

**«مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا» (۱۳)**

در حالی که در آن (جنت) بر تخت ها تکیه زده اند، و در آنجا هیچ (گرمای سوزان) آفتاب و نه (سوز) سرما را در آن جا می بینند. (۱۳)

«ارائک» جمع «اریکه» به معنای تخت زینت داده شده است.

«شَمْس» «(گرمی) آفتاب».

«زَمْهَرِيرًا» «سختی سرما ، سوز سرما».

جنتیان بر تخت های نرم و ملایم که به زیباترین رنگ ها مزین شده اند و دارای بهترین شکل می باشد، تکیه زده اند، گرمی آفتاب و سردی زمهریر را در جنت احساس نمی کنند، بلکه فضای معتدل، هوای خوشگوار و سایه فراخی برای شان آماده است. طوری که در حدیث شریف آمده است: «هواء الجنة سجاج لا حر ولا قر». «هوای بهشت معتدل است، نه گرم است و نه سرد». سجاج: سایه گسترده است، مانند سایه طلوع صبحانه تا طلوع آفتاب.

**«وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلُّالُهَا وَذُلَّتْ قُطُوفُهَا تَدْلِيلًا» (۱۴)**

و سایه های درختان به آنان نزدیک است و چیدن میوه هایش بسیار آسان است. (۱۴)

«دَانِيَةً»: نزدیک. فرو افتاده.

«قُطُوفُ»: جمع قُطْف، میوه رسیده (ملاحظه شود از جمله در سوره : حاقه).

«تَدْلِيلًا» «آسان کردنی، در دسترس».

جنتیانی که در ناز و نعمت زندگی به سر می‌برند، سایه‌های درختان آن بر سر آنها نزدیک و گسترده است، و میوه‌های چیدنی‌اش به آسانی فرود آمده و در اختیارشان قرار دارد. یعنی: میوه‌های جنت چنان برای تناول‌کنندگان رام ساخته شده است که جنتی‌ها می‌توانند آن را در هر حالتی که میل و خواهش داشته باشند، از میوه آن مستفید شوند، فرق نمی‌کند در حالات ایستاده باشد، و یا در حالات نشسته و یا هم به پهلو آرمیده باشد، در همه این حالات یکسان می‌تواند به آن دسترسی یابد و از آن استفاده به عمل آرند، نه آن درختان از پیش‌شان دور، که دست‌های بهشتیان به آن نرسد، در ضمن صفت آن در ختان اینست که این درختان بدون خار و خاشاک می‌باشند.

### وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا (۱۵)

جامه‌های نقره‌ئی شراب و قدح‌های بلورین می‌میان‌شان به گردش درمی‌آید (۱۵)

«اَكْوَابٍ»: جمع کُوب، قَدَح (مراجعه شود: به سوره زخرف / ، واقعه).

«قَوَارِيرًا»: جمع قَارُورَة، ظرف بلورین و شیشه‌ای.

فرق در میان آنیّه و اکواب این است که: اکواب جام‌های است بدون دسته اما آنیّه ظروفی است دارای دسته، مانند قَدَح و کوزه .

قابل تذکر است که پاداش الهی در مقابل صبر و استقامت انسانها همین است؛ که الله تعالی در قدم اول برای شان جنت نصیب نموده « جَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا » که الهی نصیب همه ما بگرداند آمین. و در قدم دوم در جنت خدمت جنتیان نوکران نوجوان باکوزه‌های بلورین ظرف‌های طعام و جام‌های شراب در اطراف‌شان پروانه و ارمی‌چرخند، «يُطَافُ عَلَيْهِمْ»، این بدین معنی است که جنتیان دارای خدمتگاران مهذب و مقرب اند، در آنجا برای شان (خوراک‌های لذت‌بخش و قابل اشتها و شراب نافع و بی‌ضرری را در ظرف‌های فاخر و زیبایی که از شیشه نقره‌ای است برای‌شان آماده می‌کنند.

مفسر کبیر جهان اسلام ابن عباس (رض) می‌فرماید: «هیچ چیز در جنت نیست مگر این که به شما در دنیا مشابه آن داده شده است، به جز کوزه‌های که از نقره است».

### قَوَارِيرٍ مِنْ فِضَّةٍ قَدَرُوهَا تَقْدِيرًا (۱۶)

جام‌هایی از نقره ساخته و اندازه‌انده اند آنها را به اندازه‌ای که موافق میل آنان باشد

(۱۶) «تَقْدِيرًا» «اندازه‌کردنی، اندازه‌مناسب».

طوری که یادآور شدیم ظرف‌های جنت در شکل و اندازه‌های متفاوت و مطابق با اراده و میل جنتیان ساخته شده است.

«قَدَرُوهَا تَقْدِيرًا» (یعنی این که نقره‌هایی که حاجب ماوراء نیستند و از بیرون درون آنها دیده می‌شود).

ساقی‌ان‌ها را به طور حساب‌شده مقدر کرده است؛ طوری که زیادت و نقصانی ندارد و این امر لذت‌بخش‌ترین چیز در انسان است.

### وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَتْ مِنْ زَنْجَبِيلًا (۱۷)

و در آنجا جامی که نوشیدنی‌اش آمیخته به زنجبیل است، به آنان می‌نوشانند (۱۷)

«زَنْجَبِيلًا»: «زنجبیل». از جمله نباتی است که معمولاً در مناطق گرمسیر پیدا می‌شود، عربها زنجبیل را به خاطر نشاط

آور و محرک و خوشبو بودن در شراب خویش استعمال می‌نمودند.

### عَيْنًا فِيهَا سَمْنَى سَلْسَبِيلًا (۱۸)

چشم‌ه‌ای است در جنت که سلسبیل نامیده می‌شود (۱۸)

«سَلْسَبِيلًا»: در لغت، به معنای آب روان و سلسبیل در لغت نام آبی است که در نهایت روانی و صفائی بوده. از فحوای آیت مبارکه معلوم شد که ابرار نیکوکار از چشمه‌ای آب جنت می‌نوشند که سلسبیل نام دارد؛ و این آب از دُر پاک است، تناولش آسان است و خیلی لذت بخش است. هکذا سلسبیل (نام چشمه بهشتی میباشد).

### وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مَّخْلُودُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنْثُورًا (۱۹)

و بر گرد آنان پسران جوانی می‌گردند چون آنها را ببینی گوئی که مرواریدهایی پراکنده اند (۱۹). «مَنْثُورًا»: پراکنده «لُؤْلُؤًا مَّنْثُورًا»: مروارید پراکنده. مروارید غلتان، اشاره به زیبایی و درخشندگی و جذابیّت غلامان خدمتگزار است.

از کلمه «يَطُوفُ» این فهم به دست می‌آید، که در جنت از جنتیان چنان پذیرائی و استقبال گرمی به عمل می‌آید که ضرورت به درخواست و تقاضا و طلب نیست، بلکه در اطراف ابرار، پسرانی نیکوکار اند که همیشه نوجوان اند هر گاه ایشان را ببینی گمان می‌کنی آنان از مروارید برآمده اند (در صفائی و روشنی و پاکیزگی طوری فکر می‌کنی که آنان مرواریدی هستند که تازه از صدف بیرون شده اند، جوانی این جوانان بی نهایت با طراوت بوده و در تازگی و خرمی مانند «لُؤْلُؤًا مَّنْثُورًا»، اند، و دایماً درحالت «مَخْلُودُونَ» قرار دارند که شادابی شان تغییر نمی‌یابد و نه می‌میرند.

پروردگار با عظمت ما این پسران خدمت گزار را به مروارید افشاندن تشبیه نموده که در خدمت‌گزاری بی نهایت سریع‌اند، خلاف حورعین که ایشان را به مروارید نهفته تشبیه نمود زیرا ایشان زیر بار خدمت قرار داده نمی‌شوند و برای عشق و رزیدن فارغ‌بالند.

ابن کثیر می‌فرماید: «نه نیکوتر از این، تشبیهی وجود دارد و نه از مروارید افشاندن در مکانی زیبا و باصفا، منظره‌ای دلربا تر و زیباتر وجود دارد».

### وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا (۲۰)

و هنگامی که آنجا را ببینی نعمتها و پادشاهی بزرگ را می‌بینی! (۲۰)  
«ثَمَّ»: آنجا. مراد بهشت است.

«مُلْكًا كَبِيرًا»: سرزمین بزرگ و وسیع و مملکت فراخ، پادشاهی و سلطنت عظیم (تفسیر کبیر).

در آیت مبارکه اشاره دارد به این که در هر جای و هر طرفی از جنت که نظراندازی به اندازه ای نعمت‌های ماندگار، جاودانگی پایدار، شادمانی دوامدار، شادابی عمیم و خورسندی عظیمی را مشاهده می‌نمائی، که هرگز قدر و اندازه آن را در حد و حصر نتوان آورد.

### شان نزول:

۱۱۶۰- ک: ابن منذر از عکرمه روایت کرده است: که عمر بن خطاب (رض) نزد رسول الله صلی الله علیه آمد در حالی که آن حضرت صلی الله علیه وسلم بر بوریا از برگ درختان خرما که درشتی آن بر پهلوی مبارکشان اثر کرده بود خوابیده بودند. پس عمر (رض) گریان کرد. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: چه چیز تو را به گریه وا داشته‌است؟ عمر (رض) گفت: کسری، هرمز و پادشاه حبشه و فرمانروای شان را بهیاد آوردم و درحالی‌که شما فرستاده الله تعالی هستید، بر حصیری از خرما قرار دارید! «پس، از این حال شما بر من رقت دست داد و بی‌اختیار گریستم».

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند: آیا راضی نیستی که دنیا از آنان باشد و آخرت از آن ما؟ پس این آیت نازل گردید: «وَإِذَا رَأَيْتُ ثَمَّ رَأَيْتُ نَعِيمًا وَمَلَكًا كَبِيرًا.» (تفسیر بیان کلمات قرآن کریم تألیف شیخ محمد مخلوف واسباب نزول تألیف علامه جلال الدین سیوطی - سورة الإنسان: ۲۰).

ادامه دارد